



درس تفسیر سوره مبارکه عبس - جلسه ۶

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (۱۲) فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ (۱۳) مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ (۱۴) بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶) قَتَلَ الْإِنْسَانَ
مَا أَكْفَرَهُ (۱۷) مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸) مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ (۱۹) ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ (۲۰) ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱) ثُمَّ إِذَا
شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲) كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴) أَتَا صَبَّبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ
شَقًّا (۲۶) فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷) وَعَبَبْنَا وَقَضْبًا (۲۸) وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹) وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰) وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)
مَتَاعًا لَكُمْ وَلِإِئِمَامِكُمْ (۳۲) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳) يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)﴾.

سوره مبارکه ای که «عَلَّمَ بِالْغَلْبَةِ» آن سوره «عبس» است، همان طوری که ملاحظه فرمودید صدر آن داستانی دارد، بررسی آن داستان نشان می دهد که این عبوس و تولی برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نبود. گذشته از آن شواهدی که قبلاً ذکر شد و روایاتی که در جوامع روایی ما هست - بعضی از دوستان هم زحمت کشیدند اجرشان با خدا! - این نکته باید ملحوظ باشد که این آیه جزء عتائق سور قرآنی است؛ یعنی اوایل بعثت حضرت نازل شد سوره هایی که در اوایل بعثت نازل می شد خدای سبحان هم مکتب را به عظمت و جلال معرفی می کند هم آورنده

این مکتب را به بزرگی و عظمت معرفی می‌کند این ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱ طبق بیان غالب این بزرگان که نقل کردند گفتند کلّ این مجموعه قبل از سوره مبارکه «عبس» آمده است؛^۲ قاعده هم این است وقتی که خدا دینی را نازل می‌کند آن دین را به خوبی و کمال معرفی کند، آورنده آن دین را به عظمت و جلال معرفی کند، فواید آن دین را به خوبی بازگو کند، چه اینکه سوره «علق» که نازل شد با اکرم بودن خدا نازل شد فرمود: ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾^۳ این اکرم بودن نشانه آن است که خدا درس کرامت می‌دهد کرامت وصف فرشته‌هاست. اگر گفتند در فلان مدرّس فقیه تدریس می‌کند یعنی درس فقه می‌دهد، در فلان مدرّس اصولی تدریس می‌کند یعنی درس اصول می‌کند فلان مکتب یا فلان مسجد یا فلان مدرّس حکیم تدریس می‌کند یعنی درس حکمت می‌دهد، در دانشگاه‌ها وقتی گفتند فلان کلاس طبیب درس می‌دهد یعنی درس طب می‌دهد یا در فلان کلاس مهندس تدریس می‌کند یعنی درس هندسه می‌دهد. وقتی خدای سبحان بخواهد مدرّس خود را و درس خودش را معرفی کند می‌فرماید اکرم دارد تدریس می‌کند ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ در این جوشن کبیر است که اسمای فراوانی برای خدای سبحان است در بین این همه اسمای حسنا خدا اکرم را انتخاب کرده است فرمود اکرم دارد تدریس می‌کند یعنی دارد درس کرامت می‌دهد این اولین سوره قرآن است.

در بخش‌های پایانی آن هم می‌فرماید: ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾^۴ انسانی که خلاف می‌کند مگر خود را در مشهد و در محضر خدا نمی‌بیند؟ از این حرف لطیف‌تر زیباتر و بهتر ممکن است؟ این حرف‌ها حرف‌های فرشته‌هاست نفرمود علیم دارد درس می‌دهد که فقط درس علم بدهد و چیزی یاد بدهد یا حکیم دارد تدریس می‌کند «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ

۱. سوره قلم، آیه ۴.

۲. البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱۰، ص ۵۰۶؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۷۸؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۳۴۸.

۳. سوره علق، آیات ۳ و ۴.

۴. سوره علق، آیه ۱۴.

الحکیم! حکمت می گوید درست است که حکمت می گوید علم یاد می دهد اما همه اینها در سایه کرامت است ﴿اَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾.

اکرم چه کسانی هستند؟ کریم چه کسی است؟ در سوره مبارکه «انبیاء» مشخص کرد فرمود فرشته ها کریم هستند ﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾^۵ که وجود مبارک حضرت هادی (سلام الله علیه) در این زیارت جامعه اهل بیت (علیهم السلام) را به همین اوصاف فرشته ها معرفی می کند در زیارت جامعه هم همین آیه سوره مبارکه «انبیاء» در وصف ائمه است ﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ﴾ اینها هستند.^۶

اگر خدا دارد دینش را معرفی می کند آورنده دینش را معرفی می کند کلاس درسش را معرفی می کند مدرّسش را معرفی می کند بعد پرورش یافته های مکتب خودش را هم معرفی می کند که اینها چون در محضر خدا هستند و می دانند خدا آنها را می بیند نه بیراهه می روند نه راه کسی را می بندند؛ بعدها سخن از جهنم و بگیر و ببند شروع شد ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾^۷ بعد هم فرمود: ﴿اَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ این روشن است وقتی گفتند اکرم دارد تدریس می کند یعنی درس کرامت می دهد. بعد در سوره «قلم» وجود مبارک حضرت را به اینکه تو این حرف هایی آنها می زنند که مثلاً - معاذ الله - عاقل و خردمند نیستی اینها نیست تو عاقل محض هستی و گذشته از عقلانیت هم، ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛ بعد بیاید در یک سوره بعدی او را به عنوان یک عبوس معرفی کند؟ شدنی نیست، او را به عنوان رویرگردان از یک انسان نابینایی که استحقاق کمک دارد معرفی بکند؟ آن هم در اوایل بعثت، این شدنی نیست. حالا بر فرض - معاذ الله - حضرت عبوس کرده باشد باید آبروی او را بین همه فرشته هایی که در صدد تدبیر و آوردن این

۵. سوره انبیاء، آیات ۲۶ و ۲۷.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰.

۷. سوره علق، آیه ۱۴.

وحی‌اند آبرو ببرد؟ این حرف‌ها را خدا به پیغمبر چه وقت گفت؟ یعنی زیر گوش او گفت ﴿عَبَسَ وَ تَوَلَّى﴾؟ یا از عرش آورده تا فرش به دست فرشته‌ها فرمود: ﴿فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ * مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ اینک ملائکه صحیفه‌های این نوشته است.

پرسش: ...

پاسخ: آنکه شرط است شرط یعنی شرط! این برای همه هست الآن هم ما به ذات مقدس حضرت همین آیه را می‌خوانیم همین است این شرط است؛ مثل ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ﴾^۸ اگر دو تا خدا بود؛ شرط غیر از آن است که به نحو جزمی به فعل اسناد بدهد.

بنابراین در این قسمت فرمود این نامه‌ها را ما به دست فرشته‌ها آوردیم اینها سفیران ما هستند رسالت ما نامه‌های ما، کتاب‌های ما، صحیفه‌های ما را اینها می‌آورند اینها نه خودشان خیانت می‌کنند نه اجازه می‌دهند که شیطان یا غیر شیطان در حرم امن این کتاب‌ها دخالت بکند ﴿فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ * مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾. حالا - معاذالله - پیغمبر عبوس کرده یک کار خلاف اخلاقی انجام داده، خدای سبحان باید آبروی او را در بین همه فرشته‌های آسمان ببرد؟ اینک فرمود: ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾ اینها که - معاذالله - نظیر غلام پُست نیستند! شما پاکتی برای دوست خودتان می‌نویسید به این مأمور پُست می‌دهید می‌گویید به فلان جا ببر، این را در صندوق می‌گذارید در این صندوق پُست می‌گذارید می‌برد در خانه فلان شخص او که از نامه خبر ندارد؛ فرشته‌ها - معاذالله - این جورند؟ یعنی مثل غلام پُست هستند یا کارگران اداره پُست هستند که نمی‌دانند در این نامه چه خبر است یا ﴿فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ * مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾ می‌دانند که چه خبر است؟ این همه ملائکه از عرش تا فرش تا

به قلب مطهر حضرت در همین سوره است. آن وقت بوق و کرنا بکند و تمام ملائکه آسمان‌ها را خبر کند که پیغمبر - معاذالله - عبوس است؟ شدنی نیست یعنی شدنی نیست. عقل را باید آورد کنار، نقل را باید آورد کنار مخاطب خوب بود و فهمید. ما موظفیم سرتاپا گوش باشیم تا ببینیم قرآن چه می‌گوید حرف خودمان را نزیم حرف دیگران را نزیم فرمود گوش باش تا ببینی او چه می‌گوید، ما می‌بینیم که این نامه است صحیفه است ﴿بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ﴾ است ﴿كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ است، ﴿مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ﴾ است، از عرش رسیده در همین سوره است آن وقت با همه این وسعت در آسمان‌ها - معاذالله - از پیغمبر هتک حیثیت بکند که این عبوس کننده است عبوس کرده است یک فقیر نابینایی که پنج فضیلت برای او بود که اصلاً استحقاق کمک داشت: اعمی بود، ﴿جَاءَكَ يَسْعَى﴾^۹ بود، ﴿وَهُوَ يَخْشَى﴾^{۱۰} بود، اهل تزکیه بود، اهل تذکر بود؛ این هندسه که آن روز مشخص شد آبروی حضرت را در آسمان‌ها بین همه فرشته ببرد که او عبوس بود؟ شدنی نیست یعنی شدنی نیست.

بنابراین یقیناً این ﴿عَبَسَ﴾ به حضرت بر نمی‌گردد ﴿تَوَلَّى﴾ به حضرت بر نمی‌گردد آن وقت روایات تأیید می‌کند، فرمایش غالب مفسران ما این است که این بیان نورانی خدا که فرمود: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ اصلاً سازگار نیست با عبوس کردن پیغمبر و مانند آن.

بعد از آن مسئله که خدای سبحان تبیین کرد درباره انسان‌ها در صدر اسلام می‌دانید که آنها خیلی عنود بودند اتاق فکر تشکیل می‌دادند که چگونه مبارزه کنند و مانند آن. خدا می‌فرماید: ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ﴾ مرگ بر اینها! برای اینکه ما تمام دستگاه بسیج کردیم که انسان گل سرسبد ما باشد ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ﴾ می‌دانید ما چقدر زحمت کشیدیم تا این لَوْلَوْ لالا به بار بیاید؟ همه فرشته‌ها در خدمت او باشند؟ او یک قطره بیش نبود در سوره مبارکه «قیامة»

۹. سوره عبس، آیه ۸.

۱۰. سوره عبس، آیه ۹.

دارد: ﴿أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى﴾^۱ اینجا هم مشابه آن تعبیر را ذکر می‌کند می‌فرماید ﴿قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ﴾ *
 مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ * مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ﴾ این به چه چیزی می‌نازد؟ اینکه می‌گوییم علم دینی عبارت از این است
 که لاشه دانش در دانشگاه‌ها تدریس نشود؛ زمین‌شناسی منهای خداشناسی لاشه علم است نه علم. الآن یک تابلوی
 سه در چهار همین که دیدند یک خط نوشته یا یک عکسی کشیده، فوراً می‌گویند دست مریزاد! چه کار خوبی کرده
 است! این عظمت‌های علمی در آسمان است در زمین است دریا هست صحرا هست این تابلو را شما می‌بینید و
 آفریدگار آن را نمی‌بینید؟ چه کسی آفرید؟ برای چه آفرید؟ این ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ﴾^۲ که خداست را - معاذالله -
 می‌گذارند کنار، لاشه دانش را در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند، آن وقت هرگز دانشگاه اسلامی نخواهد شد. معنای
 اسلامی شدن دانشگاه این نیست که یک «بسم الله» در اول کتاب باشد، عکس امام و رهبری (حفظه الله) باشد، آرم
 جمهوری اسلامی باشد، بشود اسلامی؛ اسلامی شدن دانشگاه به اسلامی شدن دانش است؛ لذا ذات اقدس الهی
 می‌فرماید که ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ * وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾^۳ بعد می‌فرماید: ﴿صُمُّ بُكْمٌ عُمَى﴾^۴ اینها کَر و کور هستند؛ اینها که آسمان را می‌بینند زمین
 زمین را می‌بینند شترچران هستند شتر دارند خرید و فروش می‌کنند دامداری شتر دارند می‌فرمایند اینها کور هستند
 یعنی شتر را نمی‌بینند! شما یک سطر را که کسی روی تابلو نوشته این همه إجلال و تکریم می‌کنید از آن نویسنده!
 فرمود ما یک قطره آب را به این صورت درآوردیم که الآن صدها دانشگاه می‌خواهند این را بفهمند نمی‌فهمند، خیلی

۱. سوره قیامت، آیه ۳۷.

۲. سوره حدید، آیه ۳.

۳. سوره غاشیة، آیات ۱۷ - ۲۰.

۴. سوره بقره، آیات ۱۸ و ۱۷۱.

از بیماری‌هاست که هنوز کشف نشده است، تازه این در باره بدن است؛ آن وقت ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾^۱ او را خلیفه خود قرار دادیم روح ابدی به او دادیم انسانیت به او دادیم حشر با فرشته‌ها به او دادیم اینها که توقع نیست افراد عادی بفهمند.

در آن بخش پایانی سوره مبارکه «قیامة» گذشت اینجا هم مشابه آن می‌آید. می‌فرماید مگر نمی‌بینید که ما شما را از چه چیزی خلق کردیم؟ کار پدر که إمناء است نه خلقت؛ در سوره مبارکه «واقعه» گذشت که خدا به اولیا خطاب می‌کند می‌فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ * أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾^۲ کار پدر إمناء است یعنی «نقل المني من موضع إلى موضع آخر» فرمود ما هستیم که این یک قطره آب را به این صورت درمی‌آوریم، ما خالق هستیم شما مُمنی. در جریان کشاورزی هم که اینجا هم اشاره می‌کند می‌فرماید شما حارث هستید ما زارع شما کشاورز نیستید شما زارع نیستید. این گندمی که در انبار خودتان برای سال بعد گذاشتید، کار شما این است که بعد از شیار زمین، این گندم‌ها را از انبار به زمین منتقل می‌کنید کار شما حرث است، حرث یعنی این حبه‌ها را از جایی به جایی آوردن بعد از شیار، همین! آنکه این مرده را زنده می‌کند او زارع است، آنکه به او حیات می‌دهد یک طرفش به زیر زمین به عنوان ریشه، یک طرف روی زمین به عنوان شاخه و خوشه ما هستیم؛ لذا کار را تقسیم کرد فرمود: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾^۳ کار شما حرث است؛ یعنی زمین را شیار می‌کنید آن هم البته به قدرت الهی است به فیض الهی است. این بذر را از انبار منتقل می‌کنید به زیر این خاک همین! شما فقط با مرده‌ها سر و کار دارید، این که مرده را زنده می‌کند به او ریشه می‌دهد به درون خاک، خوشه و شاخه می‌دهد بیرون خاک ما هستیم

۱. سوره حجر، آیه ۲۹؛ سوره ص، آیه ۷۲.

۲. سوره واقعه، آیات ۵۸ و ۵۹.

۳. سوره واقعه، آیات ۶۳ و ۶۴.

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ دانشگاه کشاورزی، دانشکده کشاورزی مادامی که این طور فکر می‌کند می‌شود علم، علم دینی، اگر - خدای ناکرده - بگوید این طور بود این طور شد بدون اینکه بفهمد که چه کرد هر چه هم شما بگویید این لاشه علم است این همان است که خدا فرمود اینها کَر و کور هستند. چرا عرب به مردم جاهلی فرمود اینها کَر و کورند ﴿صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ اول فرمود شتر را ببینید زمین را ببینید دریا را ببینید صحرا را ببینید آسمان را ببینید بعد دیدند اینها نمی‌بینند. شما خطی که کسی نوشته این همه تلاش و کوشش می‌کنید که از او اِکرام بکنید احترامش می‌کنید این ذات اقدس الهی است که فرمود ما این یک قطره را به این صورت درآوردیم با چه تشکیلات و عظمتی انسان را مقدّر کردیم. این بیان نورانی حضرت امیر در نهج البلاغه مشخص کرد که فرمود با یک تکه پیه، انسان را چشمی داد که او می‌بیند، پرده‌هایی داد رقیقه‌هایی داد آب‌هایی داد در درون چشم که عده زیادی بعد از عمری تلاش و کوشش تازه متخصص یک گوشه‌اش بشوند، فرمود چرا اینها را شما نمی‌بینید؟^۱

فرمود: ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ * مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾ می‌دانید از چه چیزی خلق کرد؟ او به چه چیزی می‌نازد بالاخره؟ ﴿مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ﴾ تمام مهندسی‌اش به عهده ما بود کجا دست باشد کجا پا باشد کجا گوش باشد اینها باید هماهنگ باشند مناسب هم باشند إدراک بکنند مجاری إدراکی آنها هست، هم به اینها ابزار دادیم هم به اینها نیرو دادیم. شما در کتاب‌های فقهی ملاحظه فرمودید اگر کسی گوش کسی را آسیب برساند یک نحوه دیه دارد کسی به نیروی شنوایی او آسیب برساند یک دیه دیگری دارد. ما یک «أُذُن» داریم یک «سَمْع»، یک «عَيْن» داریم یک «بَاصِر» هر دو یعنی هر دو تمام این رده‌بندی‌هایش در کتاب‌های فقهی مخصوصاً در کتاب دیه، مرز آن مشخص

۱. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، حکمت ۸. «اعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِسَخْمٍ».

است که چشم چقدر دیه دارد باصره چقدر دیه دارد گوش چقدر دیه دارد سامعه چقدر دیه دارد. بین اذن و سامعه خیلی فرق است بین عین و باصره خیلی فرق است، آن یکی ابزار کار است این یکی خود کار است همه اینها را دین گفته است فرمود همین یک قطره آب بود غیر از این که چیزی دیگر نبود این یک قطره آب را ما هندسه‌وار تمام ذراتش را مهندسی کردیم، مغز با پای او همه‌اش اندازه شده است، بعد به او اختیار دادیم راه را مشخص کردیم چاه را مشخص کردیم تقدیر کردیم اندازه‌گیری کردیم اختیار دادیم؛ ﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ﴾ راه را نشان دادیم آسان شدن راه را هم به او دادیم، بعد گفتیم برو. هیچ جا برای جبر نیست هیچ جا برای اینکه بگویند من مجبور بودم نیست، هیچ جا برای اینکه کسی برای خودش بهانه بیاورد نیست، فرمود ما این کار را کردیم، همه را از یک قطره آب درست کردیم. ﴿مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ﴾ اندازه‌گیری کردیم مهندسی کردیم صراط برای خداست عقل دادیم که سراج باشد نه صراط ما باید مواظب حرف زدن‌هایمان باشیم نباید بگوییم عقلاً و شرعاً، عقل کوچک‌تر از آن است که در کنار شرع قرار بگیرد شرع صراط است عقل چراغ است راه را می‌بیند. این نقشه راه را این قانون را این احکام و حکم را عقل به اندازه استعداد خودش می‌بیند، عقل را باید در قبال نقل قرار بدهیم، بگوییم عقلاً و نقلاً حکم این چنین است، نه عقلاً و شرعاً که عقل را هم‌دوش شرع قرار بدهیم، شرع معادل ندارد شرع صراط است راه است اصل اشیاء را طرزی آفرید که باید باهم هماهنگ باشند، این صراط مستقیم است و آنها که به این صراط به خوبی آگاه‌اند و عمل می‌کنند متن صراط‌اند؛ ما در زیارت وجود مبارک حضرت امیر می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ [اللَّهُ] الْمُسْتَقِيمِ»^۱ سایر ائمه هم همین طور هستند؛ اینکه می‌گوییم میزان اعمال هستید می‌گوییم صراط مستقیم هستید^۲ خدا اینها را

۱. المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص ۲۵۹.

۲. المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص ۵۲۸.

این طور آفرید که کار اینها می شود صراط ما؛ اینها براساس عقلشان که این طور نمی گویند اینها براساس وحیشان می گویند، می گویند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي».^۱

بنابراین راه را مشخص کردیم قدرت هم دادیم اختیار هم دادیم گفتیم «تا سر رود به سر رو و تا پا به پا پیو»^۲ می توانید بروید و دیگر هیچ بهانه ای برای این کار نیست ﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ﴾. بعد هم این طور نیست که مرگ آخر خط باشد خیر، مرگ معبر است. ما آوردیم ما می بریم ما پاداش می دهیم، اما شما را با اختیار داریم می بریم، راه هم مشخص است چاه هم مشخص است، کجراهه هم مشخص است راه مستقیم هم مشخص است، هر راهی که بخواهید می توانید بروید؛ ولی به شما عقل دادیم که کجا بروید، نقل آوردیم که کجا بروید از ما راهنمایی است ما اجبار نمی کنیم به این طرف بروید، چون کمال در این است که انسان آزاد باشد اگر انسان مجبور باشد یک طرفه برود که کمال نیست در نظام تکوین ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾^۳ اما در نظام تشریع راه را مشخص می کند.

یک بیان نورانی از امام باقر (سلام الله علیه) است فرمود: «بَلَيَّةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ إِنَّ دَعْوَاهُمْ لَمْ يُجِيبُونَا وَإِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا»^۴ فرمود ابتلای به مردم خیلی سخت است ما اینها را دعوت می کنیم به راست و بهشت نمی آیند رها کنیم راه غیر از این نیست ما که نمی توانیم بگوییم «بگذار تا بیفتد و بیند جزای خویش»^۵ این کار ما نیست این برای ما خیلی سخت است «إِنَّ دَعْوَاهُمْ لَمْ يُجِيبُونَا وَإِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا» راه غیر از این نیست ما بگوییم به درک! ما اهل به درک گفتن نیستیم برای ما سخت است حرف ما را نشنیدن فقط ما غصه می خوریم

۱. نهج الحق و كشف الصدق، ص ۴۲۳.

۲. دیوان ملا هادی سبزواری، غزل ۱۵۰.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۴. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۹۳.

۵. سعدی، غزل شماره ۳۸؛ «چندین چراغ دارد و بیراه می رود*** بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش».

رنج می‌بریم همین، نمی‌گوییم به درک! «بَلِيَّةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ إِنَّ دَعْوَتَهُمْ لَمْ يُجِيبُونَا وَإِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا»^۱ راهی غیر از این نیست نیست ما بگوییم به درک! ما اهل به درک گفتن نیستیم برای ما سخت است، حرف ما را نشنیدن فقط ما غصه می‌خوریم رنج می‌بریم همین، نمی‌گوییم به درک! «بَلِيَّةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ إِنَّ دَعْوَتَهُمْ لَمْ يُجِيبُونَا وَإِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا»^۲ راهی غیر از این نیست آدم نسبت به بچه‌اش که نمی‌گوید به درک! فرمود شما حالا فرزندی ما را قبول نکردید ما پدر شما هستیم «أَنَا وَ عَلَىٰ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۳ این طور هستند.

فرمود: ﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ * ثُمَّ أَمَّاتَهُ فَأَقْبَرَهُ﴾ چون او ﴿يُحْيِي وَيُمِيتُ﴾^۴ اماته می‌کند و او انسان را در قبر واقع می‌گذارد انسان اول که نمی‌دانست چگونه این مرده‌ها را دفن کند؛ جریان هابیل و قابیل، این فرزندان آدم (سلام الله علیه) که یکی دیگری را کشت این جنازه در دست او ماند که با این جنازه چه کند؛ آن‌گاه ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارَىٰ سَوْآتُهُ أَخِيهِ﴾^۵ بشر اولی این طور بود.

پرسش: ...

پاسخ: در قبر می‌کند ﴿فَأَقْبَرَهُ﴾؛ یعنی «جعلهُ مقبوراً»، یعنی صاحب قبر کرد، «مقبور» یعنی «من له القبر»، ﴿فَأَقْبَرَهُ﴾؛ یعنی او را به قبر داد. آن چگونه ﴿فَأَقْبَرَهُ﴾؟ انسان اولی که جنازه را دید این قابیل مانده بود که با این نعش چه کند با این جنازه چه کند. در سوره مبارکه «بقره» و امثال «بقره» این بخش است که خدای سبحان کلاغی را مأمور کرد ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا﴾ که این کلاغ ﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾ جلوی چشم این قابیل، این خاک‌ها را کنار زد چیزی را درون این گذاشت بعد روی آن خاک کرد ﴿لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارَىٰ سَوْآتُهُ أَخِيهِ﴾؛ تا به قابیل بفهماند که جنازه را چگونه

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۸؛ سوره آل عمران، آیه ۱۵۶؛ سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۳. سوره مائده، آیه ۳۱.

می‌شود دفن کرد، بشر اولی که تجربه نداشت که با جنازه چه کار بکند. فرمود ما یادشان دادیم این برای اولی است. زمین را هم ما این کار را کردیم شما را هم آشنا کردیم که انسان را مقبور کند «من له القبر» کند، بعد این تازه اول راه است، بدنتان در خاک و قبر می‌رود روحتان که در قبر نمی‌رود شما برای همیشه زنده‌اید این کار را کردیم بعد روحتان که زنده است بدن را هم دوباره زنده می‌کنیم ﴿ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾ هر وقتی را که خودش مصلحت بداند لازم باشد این را منشور می‌کند منتشر می‌کند آن روح را با این بدن مرتبط می‌کند صحنه محاکمه و پاداش و اینها انجام می‌شود. بعد ﴿كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرُهُ﴾ هنوز ذات اقدس الهی آن دستوراتش که باید انجام بشود عمل نشد این درباره خلقت انسان. درباره دانشکده کشاورزی چگونه باید باشد آن را هم بیان می‌کند. غرض این است که علم دینی به این است که انسان ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ﴾^۱ را ببیند علمش هم می‌شود روشن‌تر؛ اما اگر چه کسی آفرید برای چه چیزی آفرید را نبیند، می‌شود کور و در قیامت هم کور محشور می‌شود این سوره مبارکه «طه» اینها که ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾^۲ اینها در قیامت قدرت اعتراض ندارند ولی سؤالی دارند می‌گویند: ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾^۳ من که در دنیا چشم داشتم چرا کور محشور شدم؟ فرمود: ﴿كَذَلِكَ﴾^۴؛ یعنی ﴿كَذَلِكَ﴾؛ تو در دنیا هر طور بودی ما همان طور محشور کردیم. در دنیا مراکز فساد را می‌دیدى با مسجد و حسینیه و حرم و اینها کاری نداشتی، الآن هم جهنم را خوب می‌بینی ﴿أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾^۵ آنها می‌گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَنَسْمِعْ﴾^۶ همین‌ها که کور محشور شدند به اینها می‌گویند می‌فرماید در دنیا چه طور بودید؟ در دنیا بدی‌ها را می‌دیدید خوبی‌ها را

۱. سوره حدید، آیه ۳.

۲. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۳. سوره طه، آیه ۱۲.

۴. سوره طه، آیه ۱۲.

۵. سوره طور، آیه ۱۵.

۶. سوره سجده، آیه ۱۲.

غمی دیدید، الآن هم جهنم را می بینید بهشت را نمی بینید. ما کور به این معنا که شما جهنم را نبینی و کفار را نبینی که نیستند؛ ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾ قالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿ما تو را کور نکردیم هر طور بودی اینجا هم هستی آنجا کاری به مسجد و حرم و حسینیه و مراکز قرآن و عترت نداشتی با مراکز فساد رابطه داشتی اینجا هم بهشت و اولیای الهی را نمی بینی جهنم را خوب می بینی آتش را خوب می بینی ﴿أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ می گویند ﴿رَبَّنَا ابْصِرْنَا وَاسْمِعْنَا﴾ همین کورها می گویند، همین کورها می گویند که بله این جهنم است ما داریم می بینیم، شعله اش را ما داریم می بینیم. در سوره «طه» فرمود که حواس شما جمع باشد هر طور بودی ما شما را محشور کردیم، نه اینکه ما تو را کور محشور کردیم. همین هایی که می فرماید: ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ همین ها سؤالی دارند ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى﴾ فرمود ما شما را هر طور بودی محشور کردیم. «أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا».

«و الحمد لله رب العالمين»